



لوگ

زندگی باسٹوہ منی

کایلا می
آرزو قلی زادہ



مقدمه‌ی ناشر



تو کلاس چندمی؟

ما سه تا دوست بودیم که با اومدن میکا شدیم چهارتا و حالا بهترین

دوستای دنیا، که ما بهش می‌گیم «ب.د.د»، کنار هم هستن 

خوشحال می‌شیم تو هم با خوندن این کتابا با ما آشنا بشی و بعد

برامون از خودت بنویسی که ما هم بشناسیمت و بهترین دوستای دنیا

همین طوری زیاد بشن و زیاد بشن.

اگه دوست داشتی برامون بنویسی، مث ما یه دفتر بردار و شروع کن به

نوشتن از خودت، دوستات، چیزایی که دوس داری و البته چیزایی که

حرصت رو در میاره!

بعد نوشته‌هات رو بده به مامان و بابا که برامون بفرستن.

مامانا و باباها هم از نوشته‌های بچه‌ها عکس بگیرن یا تایپشون کنن و

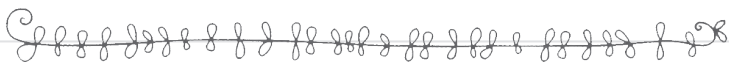
برامون به Farzad.ramtin@gmail.com ایمیل کنن.



فهرست



۱	فصل ۱: غافل گیری!
۹	فصل ۲: دخترونه!
۱۸	فصل ۳: جی دا و آدا
۲۴	فصل ۴: درون کیف!
۳۰	فصل ۵: دوست یا دشمن؟
۳۸	فصل ۶: نامه‌ی ویژه
۴۸	فصل ۷: از تعجب، شاخ در آوردم!
۵۷	فصل ۸: یکی را بردار!
۶۲	فصل ۹: مقاوم در برابر کیتی
۶۸	فصل ۱۰: لو... چی؟
۷۹	فصل ۱۱: نور، دوربین، حرکت!
۸۵	فصل ۱۲: دخترونه‌ها!





این
دفترچه خاطرات
متعلق است به

لونا



فصل 1



عافل گیری!

سه شنبه

دفترچه جان!

خیلی خوش حالم که بالأخره همه‌ی حرف‌هایم را نوشتم.
برای همین، می‌خواهم دوباره این کار را انجام بدهم.

دفترچه جان...

از وقتی دوستانم کی‌کی و کوکو
دفترچه‌ی خاطرات دارند، من هم دلم
می‌خواست یک دفتر مثل تو داشته
باشم. وقتی امروز در مدرسه، درِ کمد
را باز کردم، دیدم تو آنجایی و با یک
روبان خیلی زیبا کادو شده‌ای.





کی کی و کوکو پول هایشان را پس انداز کرده بودند تا تو را برای من بخرند. حالا در گروه «بادکنکا»، هر کدام از ما یک دفترچه داریم.



حتماً با خودت می‌گویی گروه بادکنکا چیست؟
 خُب، این همان «باشگاه دختران کوچهی نیلوفر آبی» است. کوچهی نیلوفر آبی، یعنی زیباترین محلهی شهر، جایی که همهی اعضای گروه بادکنکا در آن زندگی می‌کنند.

شاید این دفعه از خودت بپرسی دخترهای گروه «بادکنکا» چه کسانی هستند؟ مگر نه؟

اولین عضو آن خودم هستم: لولا لیزت لیونز...

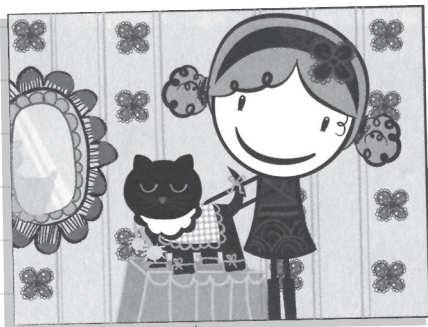
بوسکتو گربه‌ی من که
 خیابان می‌کنه
 سه!



۱. اسم بادکنکا از حرف اول عبارت «باشگاه دختران کوچهی نیلوفر آبی» ساخته شده؛ با یک «ک» اضافه برای بهتر خوانده شدن!

و حالا «ب.د.د.»هایم: کی کی یک طراح لباس فوق العاده است.

کی کی



...مکسی

اسم دوست دیگرم کوکوست. کیک پزی کوکو حرف ندارد.

کوکو



ایوی

خوش شانس

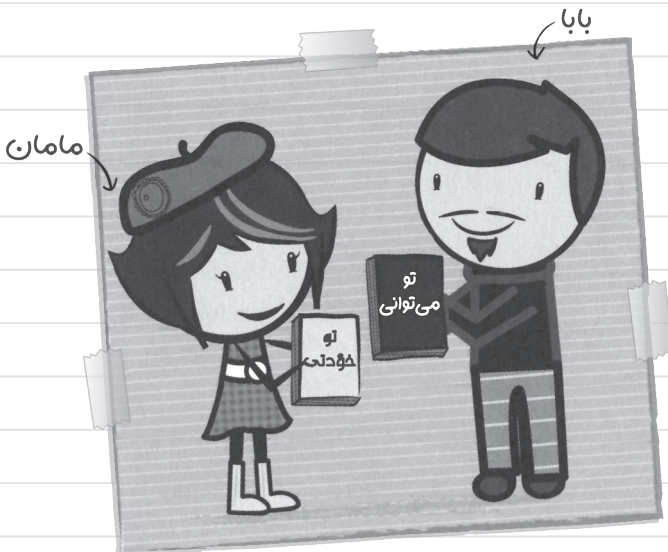


برنامه‌ی هفتگی باشگاه دختران کوچه‌ی نیلوفر آبی

یکشنبه	شنبه	جمعه	پنج‌شنبه
روز تعطیلی نیلوفر آبی	کیک‌پزی	مهمانی	روز تعطیلی نیلوفر آبی
	پختن کیک فنجانی	فیلم دیدن، نقیلا خوردن و گپ زدن	
	آشپزخانه‌ی کوکو	خانه‌ی کی‌کی، لولا یا کوکو	



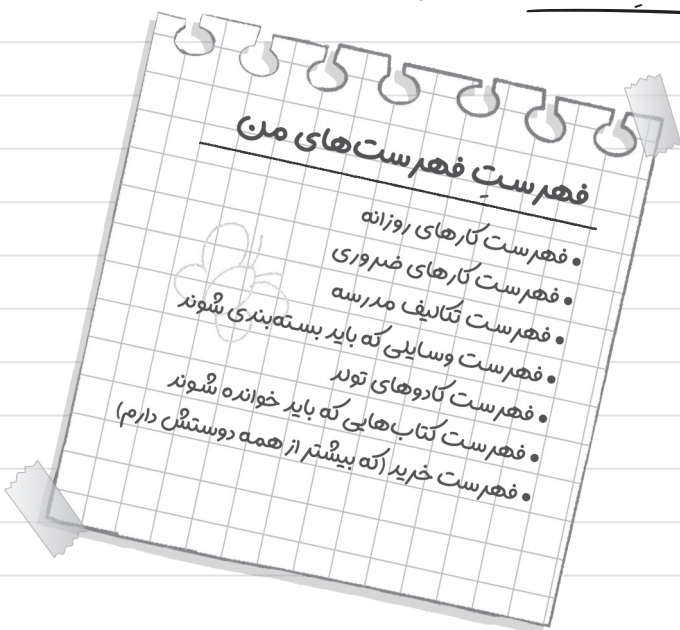
غیر از بهترین دوستانم، خانواده‌ام
 مهم‌ترین آدم‌های زندگی من
 هستند. پدر من فرانسوی است،
 یعنی اهل فرانسه است؛ او و مادرم
 نویسنده هستند. به کتاب‌هایی
 که آن‌ها می‌نویسند، «خودآموز»
 می‌گویند. این کتاب‌ها به مردم
 کمک می‌کنند که خودشان به تنهایی
 یاد بگیرند؛ به خاطر همین، خیلی
 مفید هستند.





راستی من یک خواهر بزرگ تر هم دارم که اسمش شانتل است و در دبیرستان درس می خواند. شانتل دختر خیلی خوبی است. همه ی اعضای گروه «بادکنکا» دوست دارند یک روز مثل او بشوند.

یک چیز خیلی مهم که باید راجع به من بدانی، این است که من عاشق نوشتن فهرست هستم. اینجا یک فهرست از انواع فهرست هایی که دوست دارم درست کنم، نوشته ام. البته خودم اسمش را فهرست فهرست ها گذاشته ام.





برای هرکاری می‌شود فهرست درست کرد. فهرست‌ها خیلی مفیدند و می‌توانند در بهتر فکر کردن و منظم بودن به ما کمک کنند.

خُب دیگر، من باید تکالیف مدرسه‌ام را انجام بدهم و کمی بخوابم. اما نگران نباش دفترچه جان، فردا بیشتر برایت تعریف می‌کنم.



فصل ۲

دخترونه!

چهارشنبه

کارهایی که باید انجام شوند:

- رفتن به مدرسه
- روز شنبه پ.د
- معرفی بیشتر خودم
- به دفترچه جانم

ش.پ.د =

شیک و پیک کردن ده دقیقه‌ای

خُب دفترچه جان!... کجا بودیم؟

به تو گفته بودم که خیلی به نوشتن فهرست علاقه دارم، اما یک چیز دیگر که خیلی دوستش دارم، روز شیک و پیک کردن ده دقیقه‌ای است.

من عاشق این هستم که به دیگران کمک کنم تا با کارهایی مثل درست کردن مو و پوشیدن لباس‌های مناسب، قشنگ‌تر به نظر برسند.